



شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

بررسی تطبیقی آرمان شهر افلاطون و اتوپای تامس مور

علی علایی^۱، رامین محمودی^۲

استادیار دانشگاه آزاد واحد اسلامی کرمانشاه

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

چکیده :

آرمان شهر از مباحثی است که در دوران های مختلف مطرح گردیده است و آن را به معنای طرح شهری ایده آل و نیک در نظر می گیریم ، تاریخ آن به یونان باستان یعنی به افلاطون معطوف می گردد از آرمان شهر های متأثر از طرح افلاطون می توان به اتوپیا تامس مور در عصر رنسانس اشاره نمود . بررسی آرمان شهر در تاریخ فلسفه ضروری است زیرا شکل ها ، ساختارها و محتوای آن را در طول تاریخ مطالعه و مقایسه قرار می دهیم.

آرمان شهر زمینی که در آن از دغدغه های زندگی طبیعی اثری نباشد، آرزوی درون بشر است که اندیشه بزرگترین فلاسفه دنیا را به خود مشغول ساخته است . بزرگانی چون سقراط و افلاطون به این بحث پرداخته و ارسطو به این تفکران نظم منطقی داده است .

اما تامس مور ، اومانستی مسیحی است و اتوپای خویش به دنبال نشانیدن انسان به جای خداوند است آرمان شهر او در خدمت بشی قرار گرفته که همه چیز در عالم برای زندگی دنیوی او تعریف شده است. مور می کوشد که با طرحی آرمانی وضع موجود را نفی و بهشت زمینی را برای بشر ترسیم نماید و از این رو آرمان شهر او بر محور ایجاد عدالت و امنیت برای بشر شکل گرفته است و کتاب اتوپای تامس مور از مهمترین و تأثیرگذارترین آثار در حوزه آرمان شهر اندیشی است. در این مقاله به بررسی جمهوری افلاطون و اتوپیا تامس موری پردازیم .

واژگان کلیدی : آرمان شهر، افلاطون، تامس مور، اتوپیا، عدالت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

حقیقت و ماهیت حیات هنوز بر بشر مخفی است. شاید بشر هیچ گاه هم از این راز سر در نیاورد، تا آنجا که در حافظه تاریخ به جا مانده است، انسان هیچ گاه از رؤیای بهزیستی فارغ نبوده است. بارزترین نمونه آن در انیشه مدینه فاضله دیده می شود. آرمان شهری که در آن اثری از دغدغه های موجود جامعه بشری نیست. بحث مدینه، طلیعه حرکتی برای گذر از وضع موجود به سوی وضع مطلوب است.

بهشت موعود زمینی علاوه بر بهشت آسمانی، رؤیای همیشگی انسان بوده و گمان نمی رود تا پایان تاریخ تغییری در آن ایجاد شود.

آرمان خواهی و عدم رضایت به وضعیت رفتاری انسان موجود جهان عامل مهمی در تکاپو و تکامل آدمی است تا انسان همواره بیندیشد و با ابتکار و حق یابی و خلاقیت ها از حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی گذر کند و به کمال گمشده خویش نائل آید. تصور جامعه ایده آل همواره ذهن اندیشمندان و حتی هنرمندان را به خود مشغول کرده است.

کتاب جمهوری افلاطون نخستین اثر مکتوب آرمان شهری در دست است که با تفصیل نهادهای یک نظم اجتماعی آرمانی را شرح داده است. افلاطون بر اساس فلسفه و مبانی عقلی خود دولت شهری را بنا می نهد که فیلسوفان حاکمیت آن را بر عهده دارند و تمام کمال خواهی در هر فضیلتی شاکله اساسی آن را تشکیل می دهد.

محتوای آرمان شهرهایی مثل کتاب شهر خدا اثر آگوستین و همچنین کتاب شهر مسیحیان اثر والتر اندریا نیز جلوه ای از یک آرمان شهر مسیحی بودند.

با رشد اندیشه و انسان محوری در عصر رنسانس و آزادی بشر از اسارت کلیسا، نگارش آرمان شهر اندیشی نیز از حیث کمی و کیفی تفاوت یافت. آرمان شهرها در این دوران تحت تأثیر عصر مدرن تفاوتی اساسی با آرمان شهرهای قرون وسطی پیدا کردند و بر خلاف آن ها، بحث با غفلت از آسمان و اندیشه معنوی، رنگ و بوی دنیایی به خود گرفت. نخستین اثر مکتوب آرمان شهر اندیشی عصر رنسانس و تحت تأثیر آن عصر کتاب اتوپیا اثر توماس مور است.

در امتداد اتوپیا تامس مور، نوشته های آرمان شهری یکی از نمودها و مظاهر همیشگی ایده نالیسم اجتماعی، امید و خوش بینی بوده اند. با این که برخی اتوپیست ها بر وهمی بودن ماهیت تصوراتشان تأکید کرده اند و تا ممکن بودن این تصورات را تجلی محدودیت نومید کننده بشری و ناکاملی جدی انسان دیده اند (امرسون ۱۳۸۷، ۴۱۰)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کتاب آتلانتیس نو اثر فرانسیس بیکن آرمان شهری علمی بود که هدف از آن توسعه علوم و معارف بشری و هم چنین عدالت واقعی بود. کتاب شهر آفتاب اثر تومازو کامبلا نیز یک جامعه علمی ترسیم می شود و بشر از طریق اصلاح نژادپاز به دنیا آمدن افراد شرور مادرزاد پیشگیری می کند.

در مقابل اتوپیاها نیز دیستوپیاها (Distopia) وجود دارند که جوامعی تخیلی و وارونه یک جامعه آرمانی به شمار می آیند به منزله هشدار به مردم به سبب چیرگی معضلات اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و... هستند که در آن ها ویژگی های منفی اخلاقی و فاجعه های انسانی بر حیات آدمی چیره می شود و تمامی زیست این جهان انسانی را در می نوردد و به نابودی بشر می انجامد.

از این میان نقد و بررسی محتوی بخش دوم کتاب اتوپیای تامس مور از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا:

اولین آرمان شهر ترسیم شده پس از رنسانس است.

بیش از سایر آرمان شهرها مورد توجه مکاتبی همانند کمونیسم قرار گرفته است تا جایی که کمونیست ها تامس مور و کتابش را به عنوان الگوی خود می شمارند.

مصدق یک آرمان شهر کامل است، به گونه ای که هر آن چه در یک آرمان شهر انتظار می رود در بخش دوم این کتاب لحاظ شده است این مقاله تحریری است برنگاه مذهب و اندیشه های دینی در مدینه فاضله افلاطون و اتوپیای تامس مور.

بحث

خصوصیات مدینه فاضله افلاطون

برای فهم خصوصیات مدینه فاضله ابتدا باید تصویری از اندیشه «مدینه فاضله» در قرائت های گوناگون آن ارائه نمود تا تعینات گوناگون این اندیشه را باز یابیم. از آنجایی که چنین بحث دامنه داری از حوصله یک مقاله خارج است، تنها به دو رویکرد از میان اندیشمندان یونان باستان و رنسانس می پردازیم.

تلاش شده تا برداشتی صحیح در بحث آرمان شهر به عنوان یک امر جامع در برابر اتوپیای تامس مور باز یابیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شهر مراد افلاطون

در طول تاریخ، نگاه اندیشه وران به مدینه فاضله از دریچه ای خاص، بر اساس نابسامانی های جامعه خودشان بوده است. دیدگاه افلاطون عمدتاً سیاسی است وی از این منظر، به نابسامانی ها می نگرد و بر همین اساس هم راه حل ارائه می دهد. او می نویسد:

زامداران عموماً به وسیله یک نوع جنون غیر طبیعی حکومت کرده اند. این جنون چیزی نیست که کسی بتواند آن را تعلیم دهد یا تعلیم گیرد" یعنی این جنون علم نیست، پس حکومت زامداران بر اساس صحیح و علمی و بر پایه فلسفی نیست. لذا زامداران نمی توانند حکومت خوب به وجود بیاورند(پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۷۹)

افلاطون مشکل جامعه زمان خودش را کنار نهادن فلاسفه دانسته، معتقد است: در این نظام صاحبان قدرت از حکمت و فضیلت به دور هستند، فلذا به تدریج دچار حرص و فزون خواهی و تکاثر اموال می گردند(همان)

حکومت دموکراسی هم در نظر افلاطون، یکی از منفورترین حکومت هاست، چرا که مردم در حالی بر سرنوشت خود مسلط هستند که قدرت اندیشه و قضاوت صحیح را ندارند. حکام هم به دلیل خوشامد آنان سعی خواهند کرد احکامی صادر کنند که خوشایند مردم باشد. این امر در نهایت به فروپاشی جامعه می انجامد. سایر نظامها هم اشکالات خود را دارند، نظام الیگارشسی یا حکومت ثروتمندان، حکومت اقلیت بوده و انتهایش از هم پاشیدگی اجتماع است. در نهایت، هم نظام ستمگری، ظالمانه ترین نوع نظامی بود که می توانست حاکم باشد(پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۴۷۸ و ص ۴۸۸-۴۹۳). با توجه به این نظام ها و انتقادات سخت وی بر هریک از این نظام ها، راهبرد وی در مدینه فاضله اش انسان مدار نیست، بلکه حالتی فلسفی دارد و او را در صدد حل یک معضل فلسفی نشان می دهد.

افلاطون از یک سو در نظریه خود به این نتیجه می رس که حقیقت، لزوماً دارای ویژگی ثبات و کلیت است. بر این اساس، از بی ثباتی وضع سیاست های موجود به این نتیجه کاملاً معقول می رسید که نظام های موجود، نمی توانند نظام سیاسی ایده آل بوده و جامعه تحت سلطه خویش را به سامان و صلاح راهنمونکنند. بنابراین، باید دنبال یک نظام سیاسی با ثبات بود افلاطون این نظام با ثبات را در جامعه ای می بیند که فرمانروایش کسی باشد که به مقام درک حقایق رسیده است، چرا که اوبه واسطه اتصال با عالم حقیقت، مصالح مردم را بهتر از خودشان تشخیص می دهد و تصمیم او به حقیقت نزدیکتر است پس، مشکلات جوامع زمانی به پایان می رسد که فیلسوفان (فلاسفه حقیقی)، به مقام شهریاری برسند یا شهریاران فیلسوف باشند.

از جمله امتیازاتی که افلاطون برای فلسفه حقیقی بر شمرده، این است: رغبت برای شناخت همه واقعیت های اصیل، عداوت و خصومت با دروغ و و محبت حقیقی به صدق و خلوص، پست شمردن لذت جسمی، بی اعتنایی به مال و ثروت، علو



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ادراکات و آزادی اندیشه، عدالت و اخلاق لطیف، سرعت انتقال در خاطرات و قدرت یاد آوری محفوظات و فطرت منظم و قانونی (گادامر، ۱۳۸۲، ص ۸۰ و افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۵۴۶)

بافت شهر مراد او را جامعه ای طبقاتی تشکیل می دهد در رأس این جامعه، طبقه حاکم قرار دارد که طبقه با فضیلت تر و به یک معنی اشراف جامعه است که تفاوت جوهری با سایر طبقات دارد. وی دروغگویی را برای رهبران جامعه جایز می داند. البته دروغ مثل دارو است که تجویز آن باید با حکم پزشک باشد (اگر دروغ گفتن برای کسی مجاز باشد، فقط برای زمامداران شهر است که هر وقت صلاح شهر ایجاب کند، خواه دشمن و خواه اهل شهر را فریب دهد، (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۱۵۲)

افلاطون کمال مطلوب را از نظر فردی، در عدل و از نظر اجتماعی، در حکومت فلاسفه می داند. البته تحقق چنین جامعه ای، جنبه تخیلی دارد خود او هم به رؤیایی بودن چنین جامعه ای اعتراف می کند. برای وی اساساً مهم نیست که چنین جامعه ای به وجود آید یا نه. البته افلاطون، از آرمان های دیگری چون آرمان عدالت و اعتدال در مدینه فاضله سخن می گوید.

این نوع نگرش، در تمام تاریخ تمدن یونان باستان به چشم می خورد، ارسطو نیز آرمان شهر خود را با یک نوع قرائت فلسفی - سیاسی بیان می کند. وی در ابتدا تأسیس نظام سیاسی را در جهت رفع نابسامانی ها دانسته، می گوید: هدف جامعه سیاسی نه تنها زیستن بلکه بهزیستن است (ارسطو، ۱۳۵۸، ص ۱۲۳)

با دقت و تأمل در نظرات افلاطون و ارسطو به این نتیجه رهنمون می شویم که در هیچ یک از این دو دیدگاه ردپایی از تفکرات جدید انسان مدارانه قرون جدید به چشم نمی خورد. قرینه دیگر مؤید این مدعا، پذیرش برده داری از جانب این هر دو فیلسوف است.

افلاطون نیز به طور کلی اساس نظام مدینه فاضله را بر تفاوت سرشت و گوهر انسان ها نهاده و بر این باور است که عده ای از مردم در طبیعت خویش فرودست آفریده شده اند و جنس وجودی آنها از آهنگ برنج است. دسته دیگر، که سرشت آنان از طلا و نقره وجود یافته، شایسته سروری و فرمتروایی هستند صلاح فرودستان بندگی و فرمانبری از بالادستان است. وی سه طبقه برای مردم قایل است که عبارتند از: پیشه وران، سپاهیان و سیاستمداران وی ارزش طبقاتی آنان را به ترتیب به آهن، نقره و طلا تشبیه می کند و گروه سوم را دارای استعداد طلائی و لایق تربیت معرفی کرده می نویسد:

مأموران، فرزندان افراد نخبه شهر را به پرورشگاه برده، به پرسنارانی که در محله ای جدا، در شهر اقامت خواهند داشت، می سپارند. ولی اطفال افراد پست و آنهایی را که با نوعی نقص به دنیا آمده اند، در محلی مخفی و دور از انظار پنهان خواهند کرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خصوصیات آرمان شهر تامس مور

شناسایی آرمان شهرها با شناخت دقیق اتوپییای تامس مور کامل می شود. تامس مور یکی دیگر از معماران نظری (جامعه فاضله) و از افراد مشهور دوران رنسانس در انگلیس است. او با ارائه تصویری جدید، ساختاری دیگر از آرمان شهر را با عنوانیونانی (اتوپیا) ارائه کرد. وی این کتاب را در ۱۵۱۵-۱۵۱۶ که در مأموریت فلاندر بود، تحت تأثیر جمهوری فلامیونو با توجه به موارد عادلانه دانسته شده در ستایش دیوانگی اثر اراسموس نوشت.

آرمان شهر، شرح کشوری فرضیه نام آبراسکا استو فرمانروای آن، یوتوپوس فرمان داده استوار پیرامون سرزمین این کشور تنگه هایی بکنند و آن را به صورت جزیره ای جدا از سرزمین های دیگر در آورند. در بیانوردی به نام رافائل هیتلودی، به طور ناگهانی از این جزیره گذر می کند و پنجسال در آن زندگی میکند و تنها بدان سبب به اروپا برمی گردد که سازمان عادلانه و عادلانه آن جزیره را به اروپاییان بشناساند. آرمان شهر مور، آنچنان به تفصیل آمده است که از وسواس و احتیاطی ویژه در توصیف کامل تمنا های درونی حکایت دارد.

از محدوده جغرافیایی مدینه، روابط اجتماعی، میزان جمعیتی، نوع پوشش، زر و سیم اهل مدینه و شیوه نگهداری آن گرفته تا حکمت اخلاقی مردمان، حوزه کیفریو دادرسی، جنگاوری و دین مداری ساکنان آرمان شهر و ده ها موضوع خرد و کلان دیگر (که کمتر در طراحی مدینه های فاضله از آن هابحث شده است) در این تصویر نوشتار بازتاب یافته است.

اتوپییای تامس مور، کتابی است که با سرنوشت تمدن اروپایی پیوند هایی ژرف دارد. در این کتاب از مسایلی مانند فراهم کردن ابزار آسان میری برای بیماران درمان ناپذیر، کیفرشناسی، به نژادگری، طلاق، پشتوانه طلا برای پول، حقوق زنان، آموزش دولتی، رواداری دینی و حتی مسایل زیست بومی (اکولوژیک) سخن به میان آمده است.

عبارت های آغازین کتاب آرمان شهر مور، به محدوده جغرافیایی مدینه، شمار شهرها، اندازه آن ها و فاصله های هر کدام از دیگری پرداخته است:

جزیره اتوپیادار بخش میانه، دویست مایل درازا دارد. میان دو سر هلالی جزیره که نزدیک به یازده مایل از همه فاصله دارند، دریا وارد می شود و در خلیجی بزرگ پخش می شود.

جزیره ۵۴ شهر دارد که جملگی بزرگ اند و زبان و راه و روش ها و نهاده ها و قانون ها همگی یکسان است.

آرمان شهر مور یک جامعه سیاسی است. نوع نظام سیاسی آن دموکراسی پارلمانی است و نمایندگان مجلس از ۵۴ شهر آن به طور غیر مستقیم انتخاب می شوند. پادشاه تا پایان عمر بر آن فرمان می راند، ولی اگر مستبد شد، می توان او را کنار گذاشت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از لحاظ اقتصادی طرح مور برای ناکجا آباد خود، نمایانگریک جامعه سوسیالیستی است. هر چند سوسیالیسم اورا تخیلی دانسته اند. طرح سوسیالیسم مور در دفتر دوم اتوپیا، چنین است.

۱- مالکیت خصوصی باید لغو شود.

۲- تقسیم کار باید بر پایه نیازمندی ها باشد.

۳- خانواده باید پایه جامعه باشد.

۴- پول را باید از جامعه برداشت.

۵- باید برای همگان امکان آموزش در آسایش، فراهم باشد و در برابر دشواری های زندگی، باید از مردم پشتیبانی کرد.

۶- مردم باید در پذیرش دین آزاد باشند.

۷- حکومت باید پادشاهی باشد.

گرایش به مالکیت اشتراکی، یعنی تملک زدایی، از نکته های برجسته ای است که در این آرمان شهردیده می شود. از این رو، گرایش کمونیستی، ویژگی اصلی اتوپیی مور را تشکیل می دهد.

بر اساس این نکته ها، مور یک جامعه سوسیالیستی درآبراکسا به وجو آورد. مردم این جامعه باید حرفه ای بیاموزند و همه باید کار کنند. در پیرامون هر ۵۴ شهر، مزرعه ای وجود دارد که افزون بر فراهم ساختن نیازمندی های خود، آن چه که برای ماندگاری شهر ضروری است تولید می کند.

مزرعه فرآورده های صنعتی مورد نیاز مزرعه را دریافت می کند. در مدت دوره برداشت، نماینده شهر باید در مزرعه

کار کند.

کودکان می توانند هر گونه حرفه ای بیاموزند. بزرگ ترها نیز می توانند به حرفه های مختلف بپردازند، ولی هر بزرگسالی باید در صنعت کشاورزی کار کند. بیکارها مجازات می شوند. خانواده واحد اساسی سازمان اجتماعی و نیز واحداصلی فعالیت اقتصادی است. پدر و مادر، فرزندان و نوه ها در عمارت های بزرگ به صورت یک خانواده گسترده زندگی می کنند. هر خانواده، زیر نظارت یک مرد و یک زن با زن و شوهر قرار دارد.

خانه ها با قرعه به خانواده ها داده می شود و هر ده سال عوض می شوند. سی خانواده یک گروه را تشکیل می دهند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶



هر گروه یک مدیر - مرد یا زن - بر می‌گزینند که به مدت یک سال مسئولیت دارد. هر ده مدیر زیر نظارت یک مدیر دیگر کار می‌کنند. مدیران به طور گروهی مدیر اصلی شهر و در پایان مدیر کشور - پادشاه - را انتخاب می‌کنند که تا آخر عمر در مقام خود باقی است. ولی اگر دلیل‌های کافی در دست باشد، به ویژه این که اگر خود کامه باشد، می‌توان او را عزل کرد. مدیران یک شورا دارند. افزون بر شورای مدیران، یک مجلس ملی هم باید وجود داشته باشد.

زندگی مردمان آرمان شهر مور، سراسر اشتراکی است. اعضای هر واحد از سی خانواده، ناهار و شام را با هم می‌خورند. غذا را آشپزهایی آماده می‌کنند که مواد لازم را از انبار عمومی می‌گیرند. هر خانواده همه نیازمندی‌های خود، مانند لباس، اثاثیه خانه و هر آن چیزی را که شاید لازم داشته باشند، از همان انبار عمومی می‌گیرند. در ناکجا آباد توماس مور کسی نمی‌ترسد که چیزی را که بدان نیازمند است، بخواهد.

در آرمان شهر فوانین کم و جرم‌ها اندک اندو به مجموعه قوانین قاهرانه نیازی نیست، زیرا مالکیت خصوصی وجود ندارد که از آن پاسداری شود. هیچ کس نمی‌تواند چیزی داشته باشد، مگر یک شوهر با یک زن، بنابراین، تنها جرمی که ممکن است در آرمان شهر روی دهد. به روابط مردان و زنان بر می‌گردد.

در این مدینه هر کس باید روزانه ۶ ساعت (سه ساعت پیش و سه ساعت پس از ظهر) کار کند. دیگر ساعت‌های روز به کارهای ذوقی پرداخته می‌شود. آن‌ها که استعداد ادبی دارند، از کارهای رسمی معاف شده‌اند. در اتوپیا تجارت و بازرگانی ممنوع شده است.

در آرمان شهر پول نیست و بدان نیازی هم نیست، زیرا تجارتي وجود ندارد. خانواده‌ها فرآورده‌های خود را به بازاری می‌آورند و هر کس کالای ساخته شده مورد نیاز خود را بر می‌دارد. به کودکان می‌آموزند طلا و نقره را بی‌ارزش بدانند، به آن‌ها گفته می‌شود طلا و نقره تنها برای ساختن زنجیر جانیان و لگن‌های حمام مناسب‌اند.

با بردگان مدارا می‌شود، ولی بردگی موروثی نیست. تنها آن‌ها که اسیر شده‌اند یا به مجازاتی سنگین محکوم شده‌اند یا در کشور دیگری محکوم به مرگ شده‌اند. ولی به عنوان برده فروخته شده‌اند، باید برده شوند.

دولت به دقت ازدواج را تنظیم می‌کند، دختران پیش از ۱۸ سالگی و پسران پیش از ۲۲ سالگی حق ازدواج ندارند. هرگونه لغزش پیش از اینسال‌ها، به شدت مجازات می‌شود.

عروس و داماد پیش از ازدواج باید یکدیگر را در لباس خانگی (حتی به صورت برهنه) ببینند تا از نقص‌های جسمانی یکدیگر با خبر شوند. اگر نقصی در بدن باشد، از ازدواج چشم می‌پوشند، بدین ترتیب، جلو طلاق در آینده گرفته می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در اتوپیا، چند زنی اجازه داده نمی شود و طلاق ناپسند است، ولی در مواردی که پذیرفتنی باشد، پس از بررسی دقیق و کامل، می توان ازدواج را به هم زد.

آرمان شهر، جنگ را شری مطلق می داند. بنابراین مردم آندرگیر جنگ نمی شوند، مگر این که مجبور شوند. با این حال، ساکنان آرمان شهر-هم مردان و هم زنان-با هنر جنگ آشنا هستند، به گونه ای که، به هنگام ضرورت می توانند از عهده آن برآیند. برای پیروزی در جنگ، آنان هر کاری باید بکنند و هر ابزاری را باید به کار گیرند.

به فرمان شاه، نوآوری و دگرگونی در آرمان شهر ممنوع شده است. هر گونه سیر و سفر و گردهم آیی و برخورد که به تغییر نظام اجتماعی - سیاسی بیانجامد، ممنوع شده است.

بیگانگان نمی توانند آزادانه به آن کشور آمد و شد کنند. در اتوپیا نشانی از میخانه و جاهای دیگری که مردم را به فسادکشاند، وجود ندارد.

مردم باید مدارای دینی داشته باشند. در آن جا مذهب های گوناگون وجود دارد و در مورد هیچ کدام تبعیض روا داشته نمی شود. اگر کسی بکوشد صلح و سامانرا با مجادله های مذهبی را از میا ببرد، باید او را از شهر بیرون کرد. ساکنان آرمان شهر معتقد نیستند که همه مذهب ها به طور مساوی، درست هستند، بلکه فکر می کنند که در رژیم مداریمذهبی، هر کس می تواند مذهب راستین خود را برگزیند.

در آن شهر، روحانیان، فضیلت برجسته ای دارند و بنابراین، شمار آنان بسیار کم است. مردم آن ها را بر می گزینند. آنان مسؤل حفظ مقدسات، پرستش خداوند و نظارت بر رفتار مذهبی مردم هستند.

تفاوت های مدینه فاضله افلاطون و آرمان شهر تامس مور

۱- جمهوری افلاطون یک آریستوکراسی است که فیلسوف شاهی بر آن فرمان می راند، در آن مردم عادی، به شمار نمی آیند، ولی آرمان شهر، دولتی بسیار دموکراتیک است. مردم نه تنها کارگزاران را برمی گزینند، بلکه مرجع نهایی همه قدرت ها و اختیارات آنها هستند.

۲- مور، کمونیسم افلاطونی زنان و کودکان را نپذیرفت و خانواده را پایه سازمان اجتماعی دانست.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶



۳- مور، همزیستی مسالمت آمیز مذهب های گوناگون را پذیرفت، ولی در مدینه افلاطون دولت جای خدا را می گیرد و تمام شهروندان باید آن را بپرستند و هیچ چیز دیگری نمی تواند در آن وجود داشته باشد و با هیچ کدام از آنها مدارا نمی شود. مور سیاست راه کاملاً از دین جدا کرد.

۴- در مدینه افراد اون سه طبقه وجود دارد چه نماینده سه عنصر در نفس انسان هستند ولی مورد انسان ها را دسته بندی نکرد و همه را برابر دید.

۵- اساس مدینه افلاطون عدالت است. عدالت بدان معنا دانسته شد هر کس در یک زمان ، یک کار ویژه انجام دهد و در کار دیگران دخالت نکند در آرمان شهر مور، عدالت در برابر انسان ها دانسته شده است و به تخصص کاری نیز توجهی نمی شود، در حالیکه ، در مدینه فاضله ، تخصص وجود و اهمیت دارد.

۶- سرانجام این که در ناکجا آباد مور، شهروندان باید تربیت به آمادگی نظامی بیابند ، تنها آنها ییکه روحیه برتر داشتند ، برای تربیت نظامی برگزیده می شدند .

نقادی مدینه فاضله افلاطون

۱- ضروری و غیرارادی بودن انقلاب

اندیشه افلاطون درباره انقلاب تا حدی شبیه اندیشه اسکاچ پول است که می گوید: «انقلاب ها می آیند و ساخته نمی شوند»^{۴۴}. تبیینی که افلاطون درباره انقلاب ها ارائه می دهد این است که انسان ها در شکل گیری آن نقش چندان مؤثری ندارند، بلکه در این فرایند، اصلی ترین عامل مؤثر در وقوع انقلاب، ساختار نظام سیاسی حاکم است که تعیین کننده رفتار شهروندان خود نیز می باشد. و به تعبیر دیگر، افلاطون علت انقلاب ها را فقط در درون ساختارهای سیاسی جست و جو کرده و به افراد، مستقل از ساختارها توجه چندانی نمی کند. این نگرش افلاطون را مجاب می کند که به کنترل انقلاب ها امیدی نداشته باشد. از این رو، هر نظام سیاسی بدون برنامه ریزی مشخص و مدیریت شده طعم انقلاب افلاطونی را خواهد چشید. بنابراین، نگاه افلاطون به انقلاب با نادیده گرفتن اراده ملت ها و تلقی جبرگرایانه از این پدیده، ضعف قابل توجهی را نمایان می کند؛ زیرا علاوه بر اینکه در اندیشه اسلامی انسان ها دارای اراده و اختیار هستند^{۴۵} و می توانند در بدترین شرایط نیز حرکت جامعه را به سوی تکامل سوق دهند، تجربه تاریخی ما نیز با ایده افلاطون همراهی نمی کند. حرکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دل جاهلیت، عقلانیتی حاکم ساخت که هنوز هم بشریت از آن بهره می برد. انقلاب اسلامی ایران در دل نظام سیاسی وابسته و غیرانسانی شکل گرفت و نشان داد که اراده انسان ها در برابر جبر ساختارها، بخصوص زمانی که با ایمان به خدا همراه باشد، پیروز است.



۲- نگاه منفی به انقلاب

از ایرادات جدی نظریه انقلاب افلاطون، نگاه منفی وی به مقوله انقلاب است. در اندیشه وی، انقلاب‌ها نه تنها به بهبود وضع اجتماعی کمکی نمی‌کنند، بلکه وضعیت حاکم به مراتب نسبت به وضعیت قبلی شرایط بدتری خواهد داشت. به همین دلیل، همان‌گونه که گذشت، به نظر وی، روند تحولات به صورت خطی و در جهت سقوط خواهد بود؛ از این‌رو، در نهایت، نظام سیاسی استبدادی در جامعه حکمفرما خواهد شد. بنابراین، می‌توان با پوپر همداستان شد و گفت که در نظر افلاطون، هرگونه تحول و دگرگونی اجتماعی همانا فساد، زوال یا تباهی است ۴۶.

معلوم نیست افلاطون بر اساس چه منطقی نتیجه گرفته است که تحولات و انقلاب‌های سیاسی همیشه در مسیر تباهی قرار دارند. شاید تجربه تاریخی افلاطون و تحولات یونان باستان و مرگ استادش سقراط در شکل‌گیری این اندیشه‌ها بی‌تأثیر نباشد، وگرنه هیچ دلیل روشنی را نمی‌توان بر این ادعاهای حکیم یونانی در نظر گرفت.

۳- عدم جامعیت نظریه

در نظریه افلاطون، انقلاب در برخی از نظام‌های سیاسی مغفول مانده است و گویی افلاطون اعتقادی به تحول درباره آنها ندارد ۴۷. وی درباره جامعه آرمانی خود سکوت می‌کند و معلوم نیست که در آن امکان انقلاب و دگرگونی هست یا نه. اما می‌توان حدس زد که افلاطون به دلیل فضایی که برای حاکم جامعه آرمانی خود در نظر می‌گیرد، آن را از هرگونه تغییر و تحولی مصون بداند. با این حال، وی در این باره سخن روشنی را بیان نکرده است. علاوه بر این، درباره نظام استبدادی نیز بحث نکرده است؛ شاید به این دلیل باشد که افلاطون درصدد بیان این نکته است که اگر شهروندان سرنوشت خود را به دست حکیم ندهند مجبورند در بدترین نوع نظام سیاسی برای همیشه به سر برند؛ نظامی که در آن نمی‌توان حتی در امید کوچک‌ترین تحولی ماند. افلاطون در این زمینه سخن روشنی ندارد، اما آنچه بیان شد برداشتی است از مجموع ایده‌های وی که در سراسر آثار خود بیان می‌کند.

در پایان، توجه به این نکته نیز ضروری است که افلاطون از جمله متفکرانی است که در بحث انقلاب، بداخلاقی‌های اجتماعی و سیاسی را عامل اصلی انقلاب دانسته است و این از نقاط قوت نظریه وی در باب انقلاب می‌باشد که حتی با وجود نقدهایی که گذشت، امروزه نیز می‌تواند قابل تطبیق بر بسیاری از موارد انقلاب‌ها در سطح جهان و منطقه باشد. از این‌رو، باید نظریه افلاطون به صورت دقیق‌تری تبیین و تحلیل شود؛ کاری که کمتر از ناحیه نظریه‌پردازان انقلاب صورت گرفته است.

بی‌شک محوری‌ترین و بنیادی‌ترین مبنای فلسفی افلاطون، نظریه مثل است. که نه تنها مباحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی افلاطون که حتی سیاست، اخلاق و سایر بخش‌های افکار و اندیشه‌های افلاطون نیز بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر نظریه وی در باب مثل است. این دیدگاه و اصل افلاطونی، بخش وسیعی از تاریخ فلسفه را چه در میان موافقان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و چه مخالفان به خود اختصاص داده است. در این میان نگارنده بنا به دلایلی چند ارزیابی و نقد و انتقاد ارسطو از نظریه مثل افلاطونی را مهم تلقی کرده و به طرح آن مبادرت کرده است، زیرا اولاً، خود ارسطو شاگرد مستقیم و بلافصل افلاطون بوده و سالها در محضر وی تلمذ کرده و از او مستفیض شده است؛ ثانیاً، از آنجایی که ارسطو خود نیز بسان افلاطون از فلاسفه بزرگ در همه تاریخ بشری بوده است، نقد وی نیز بعنوان نقد فیلسوف از فیلسوف مطمئنتر و دقیقتر خواهد بود. با همه این اوصاف، متأسفانه هم ارسطو در معرض اتهام سوء فهم و حتی خبث باطن در تبیین و تقریر دیدگاه افلاطون در خصوص مثل قرار گرفته و هم اینکه در پاره‌ی مواقع نظریه مثل افلاطونی چنان سخیف و کم اهمیت معرفی شده که گویی اصلاً این نظریه هیچ محمل و توجیهی ندارد. نگارنده کوشیده است که حد اعتدال میان این افراط و تفریط را طی کند و این فلاسفه را از این اتهامات مبرا و منزّه دارد و در حد توان در تقریر و نقد نظریه مثل افلاطونی جانب اعتدال و انصاف را مراعات کند.

افلاطون می‌گوید: عقل ما، همه چیز را می‌دانسته، ولی به صورت کلیات و مُثُل. آن‌طور که در آثار افلاطون و نیز در کتاب ارسطو آمده است، مُثُل افلاطونی معلول خدا و موجودی خارجی، ولی کلی است اصل شناخت ما، کلیات و مُثُل هستند. اگر بر اساس نظریه افلاطون، شناخت را بر شناخت «جزئی حسی» و «کلی عقلی» تقسیم کنیم، باز «شناخت خدا»، جایگاهی ندارد؛ زیرا شناخت خدا، حسی نیست (چون خدا محسوس نیست) و نیز خدا، کلی هم که نیست. لذا مُثُلی ندارد تا از طریق مُثُل، شناخته شود. گفتنی است نزد افلاطون حصول هر شناختی به مُثُل باز می‌گردد. نظریه افلاطون درباره مُثُل، از اساس باطل است؛ زیرا اگر مُثُل را تصورات کلی در نظر بگیریم، در حقیقت یعنی تصور کلی در ذهن خدا.

یکی از نقاط مبهم و پرگفته، اما ناشناخته فلسفه غرب، نقد دو هزار و اندی ساله فیلسوفان مغرب زمین به مواضع فلسفه هنر افلاطونی است. آنان همواره مدینه فاضله افلاطونی را ناکجاآبادی ضد شاعرانه و مبتنی بر تبعید هنرمندان از شهر تصویر ساخته‌اند. این موضع ضد افلاطونی فلسفه غرب از صدر تا ذیل مابعدالطبیعه غربی حکایت از حکمتی رازمند در آراء منتقدانه این حکیم نسبت به حقیقت هنر در ساحت شهر و شهروندی است. نوشتار حاضر درصدد است تا تبیین هر چند اجمالی، اما معطوف به کشف حقیقت متعالی اثر هنری، از ناحیه نقد افلاطون بر رئالیسم در هنر ارائه دهد؛ نظریه زیبایی شناسی افلاطون، صرفاً در محدوده نظام ایده آلیسم افلاطونی و ساحت معرفت شناختی صور معقول، قابل فرآوری و رمزگشایی است یا آنکه خود، فی نفسه در ابعاد یک پارادایم از مرجعیت و گسترش پذیری برخوردار است؟ آیا «حقیقت گرایی» افلاطون، بر ساخته‌ای از نظام صور معقول و جهان مثالی اوست، یا برخلاف، این نظام صورت‌های عقلانی است که بر بنیاد حقیقت گرایی بنا گردیده و «ایده‌های معقول» را به مثابه «انگاره‌های حقیقت» صورت بخشیده است؟ چرا هنر نزد افلاطون، نه تصویر «پدیدار طبیعت»، بل تعبیر «رؤیای حقیقت» است؟ نقد افلاطون بر رئالیسم در هنر، نقد نظرورزی به «زیبایی طبیعت» بدون رازورزی با «طبیعت زیبایی» است.



پیشگیری از قربانی ساختن «حقیقت» در پرستشگاه «واقعیت» و تذکر به حقایق اصیل وجود در برابر تقلیل و فروکاستی چشم انداز هنرمند بر عدسی های ثبت جهان مادی و فیزیکی است.

یکی از مباحث محوری در کتاب جمهوری افلاطون، موضوع عدالت است. افلاطون برای تعریف عدالت مدینه فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که حاکم آن فیلسوف پادشاه است. از دیدگاه وی عدالت باید هم در درون فرد و هم در جامعه ایجاد شود. عدالت در شهر در سلسله مراتب طبیعی و تقسیم کار یافت می‌شود، بدین ترتیب، هرکس باید همان عملی را انجام دهد که به‌طور طبیعی برای آن ساخته شده است. عدالت در نفس نیز آن است که هر جزء نفس تنها به وظیفه خود عمل کند، تا به این ترتیب در نفس هماهنگی ایجاد شود. پس عدالت سلامت روح و رذیلت و ظلم بیماری روح است. عدالت افلاطونی دارای دو مرتبه است. یکی مرتبه-ای که خاص فیلسوفان است و یکی مرتبه مخصوص افراد. فیلسوف هم از هماهنگی در درون برخوردار است و هم قادر به نظاره صور عدالت می‌باشد. اما دیگران هرچند از طریق عدالت هماهنگی را در درون‌شان ایجاد می‌کنند، ولی با عدالت حقیقی فاصله دارند. ولی مستعدند که با تربیت به نظاره صور عدالت دست یابند که این کار با هدایت حاکم فیلسوف انجام می‌شود. تعریف افلاطون از عدالت از همه امور حقوقی و قراردادی فراتر می‌رود و به مبدأ عدالت در روح انسانی بر می‌گردد. آنچه فیلسوف، عدالت می‌خواند در درونی‌ترین ژرفای طبیعت آدمی ریشه دارد.

نقادی آرمانشهر تامس مور

تامس مور اتوپیا همه کوشش خود را به کار برد تا به جامعه خیالی اش، سیمای واقعی بخشد وی این کار را پرداختن زیاد به ریزه کاری های بسیاری انجام می دهد، ولی اتوپیا مور، افسانه بهشت زمینی نیست، بلکه بهانه‌ای برای خرده گیری از جامعه خویش است.

مهمترین وجه جامعه آرمانشهر، وجه کمونیسم آن است، یعنی نبودن مالکیت خصوصی در آن، به همین سبب، کارل کائوتسکی، مور را پیش رو کمونیسم شمرده است، ولی جامعه کمونیستی او رنگ و رویی دینی نیز دارد. خانواده را نیز بر خلاف آرمان شهر های کمونیستی پیش از خود اساس جامعه قرار می دهد. خانواده تک همسری پدرسالارانه، گسترده و تولیدگر، سنگ بنای هرم اجتماعی اتوپیا است. او هر خانواده را یک واحد اقتصادی و زیستی می داند.

اتوپیا پیش از آنکه نمایش عملی باشد، مانند جمهوری افلاطون، روایی است تامل برانگیزو به بیان بهتر، پرورشگاهی است برای بذره‌های اندیشه و عقل که می باید برگزید و آزمود.

به هر حال، اندیشه موتور، اندیشه ای است که بذر های بسیاری از سخنان را که بعدها در تمدن جدید اروپایی طرح شد، در خود دارد، از این جهت، کتابی است که با سرنوشت تمدن اروپایی پیوندی ناگسستنی و ژرف دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از آرمان شهر مورد تفسیرهای بسیاری کرده اند. کار کائوتسکی- نظریه پرداز سیاسی آلمانی و کمونیسم آن را چنان به جد گرفته شمر را پدر انقلاب روسیه خوانده است. تاریخ دانان اتوپیای قالبی برای امپریالیسم بریتانیا شمرده اند. منتقدان ادبی آن را گونه ای بازی ذهنی یک اندیشه دانسته اند.

به جاست که فهرستی از ناهمخوانی های شناخته شده میان کردارهای ستوده در آرمان شهر شهر و کردار خود مور را در اینجا برشمیریم :

۱- اهل آرمان شهر قانون های اندکی دارند و چنان ارجی به حقوق دانان نمی نهند. مور بخش زیادی از زندگی خود را بر سر قانون نهاد و والاترین کارگزار قانون در انگلستان شد.

۲- شهروند آرمانشهر مور ، فلزهای گران بها را خوار می شمردند و در عین حال آن ریاضت کشی را نشان جنون می دانستند. مور ، چه در مراسم رسمی و چه غیر آن ، زنجیر زرینی بر گردن می انداخت وزیر جامه خود پیراهن پشمی خشنیمی پوشید.

۳- در آرمان شهر پیروی مسالمت امیز در هر دینی که فرد برگزیده است ، آزاد است ، مور ، شهره شدن به کیفر دهنده مرتدان را مایه فخر خود می دانست.

۴- در آرمان شهر روحانیان اجازه دارند ، ازدواج کنند و افزون بر این ، گزیده ترین را به همسری برگزینند. مور در مجادله با لوتر بیش از آن چه ذوق سلیم بر می تابد ، بر سر ازدواج او با راهبه ای ، جنجال برپا کرد و آن را دلیل باطل بودن همه ادعاهای او دانست.

۵- در آرمان شهر ، طلاق در موارد قابل پذیرش و پس از بررسی کامل ، مجاز است ، مور رفتن به زندان را بر تایید طلاق که نیمی از روحانیان مسیحی آن را بنا بر نص کتاب مقدس قوانین کلیسا مجاز می دانستند ترجیح داد.

۶ در آرمان شهر مور، خودکشی در گام نیاز مجاز و حتی امری ستوده است. مور هر اندازه که از زندگی در دژ لندن بیزار بود ، به گونه ای وسواس آمیز احتیاط می کرد تا مبدا کلامی به زبان آورد که مشمول مجازات اعلام گردد ، یعنی بدین سان این خطر را پذیرفت که پیش از آنکه خداوند او را فرار کند، به دیدار او بشتابد.

۷- او اساس جامعه آرمان شهر خود را بر برابری نهاده است. رفتار مورد تا زمان مرگش با شاه جوانی چون هنری چندان چاپلوسانه بود که به فرو مایگی پهلو می زد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این رفتار، اگر برای افرادی کم جرأت تر از مور می توانست زاییده ترس قلمداد شود ، در مورد اون چنین نبود ، سرانجام اینکه در آرمان شهر ، معمولاً با طنزی تحقیر آمیز از مقام پاپ سخن می رود، مور سرانجام در دفاع از امتیازهای پاپ جان باخت .

حال با دیده انصاف بنگریم ، آیا اگر مور در بیان آن چه در آرمان شهر آمده است، در پی حقیقت یا جامعه آرمانی می بود، چرا خود نمی کوشید در کردارها و رفتارهایش آن شیوه را دنبال کند؟ چرا در مواردی که نام برده شد، رفتار مور با آن چه در جامعه آرمانی اش آورده است، تناقض دارد.

آن چه بیش از همه اصول دیگر ، توجه انسان را جلب می کند این است که در چنین شهری با این بینش و ایدئولوژی که هرگز نمی توان در تمدنی به وجود آورد، شهری ساکت و آرام و سرانجام خسته کننده خواهد بود که با روح تنوع خواه و تعالی جوی انسان، ناسازگار خواهد بود.

اگر جنبه مادی یک تمدن را از آن بگیریم، آن تمدن به سرعت فرو خواهد پاشید، یکی از ارکان تمدن، در کنار اخلاق و مذهب ، دانش ، صنعت ، کار و تجارت است. کار و عمل ، یکی از عوامل تطور و تعالی هر تمدنی است ، در حالی که در آرمان شهر تامس مور این جنبه بسیار ضعیف است ، هنگامی که به گفته او با بالا رفتن تولید از میزان کار کاسته شود ، روزی این کار به کمترین میزان خواهد رسید. با توجه به این که در این مدینه ، مصرف بسیار اندک است (یک لباس برای ۷ سال) وقتی کار به کمترین اندازه رسید ، چرخ جامعه از حرکت باز می ایستد. یعنی این حرکت ، حرکتی در جهت عکس تمدن است. نکته دیگری که باید دانست این است که با کاهش کار مشخص نیست که ساعت های بیکاری را در این مدینه به چه کاری پرداخت ، تامس مور برای روزهای تعطیل که گاهی تا ۱۵ ساعت در روز هست ، هیچ برنامه ای ارائه نمی دهد . طبیعی است که در این جا ، جامعه رو به سستی خواهد رفت و شهر به صورت تنبل خانه در خواهد آمد.

در آرمان شهر مور ، برای بی اعتنا شدن به طلا ، آن را در ساختن ظرف ها به ار می برند . درست است که این کار از حرص و آز می کاهد ، ولی مسئله زندگی تنها بی اعتنایی به ثروت ها نیست . بلکه استفاده درست و عادلانه و به جا از ثروت ها است. طلا می تواند نقش بارزی در اقتصاد و ثروت یک کشور داشته باشد، تولید کار کند و چرخ های صنعت و کشاورزی را به حرکت درآورد و جامعه را آباد سازد، دیگر ای که وقتی قرار شود انسان پس از ده سال، خانه اش را به دیگری بدهد و همواره این امر تکرار شود، آیا در صدد آبادی آن بر خواهد آمد ؟ هرگز، مگر این که انگیزه ای بیش از مالکیت، محرکی بالاتر از مال و کشش بسیار نیرومندتر از سرمایه حاکم باشد که در این مدینه بر آن توجهی نشده است .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از عواملی که کوچ نشینان، هرکز وارث تمدن نبوده اند و در آفرینش تمدن ها نقش نداشته اند، به سبب (یکسان زیستن) بیش از اندازه، به سادگی روزگار گذرانیدن و نبودن رقابت در میان آن هاست. درست است که اگر مالکیت خصوصی کنترل نشود فسادآور است، ولی اگر هم به کلی برداشته شود، به بی تفاوتی می انجامد و انتخاب و استعدادو فعالیت از میان می رود. با بررسی و نقد آرمان شهر توماس مور ونیز دانستن کاستی ها و تناقض های درونی آن ، حال این پرسش مطرح می شود که انسان حقیقت نگر چگونه و با کدام منطق راستین به چنین شهری دل بندد و آن را آرمان و هدف خود قرار دهد؟ آیا غایت آمال بشر به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین این است و آیا چشم کمال جوی انسان با دیدن چنین شهری سیر می گردد.

نتیجه گیری:

از آنچه در این نوشتار گذشت، به این نتیجه می رسیم که افلاطون در باب انقلاب دارای نظریه نسبتا جامعی است. با این حال، در اندیشه سیاسی وی مفهوم انقلاب با رویکردهای جدید به این پدیده تا حدی متفاوت است؛ وی مفهوم عام تری از انقلاب ارائه می دهد. افلاطون علت انقلاب در نظام های سیاسی مختلف و همچنین پیامدهای هر یک از آنها را مورد توجه قرار داده است. همچنین روشن شد که از نظر وی، انقلاب ها در نظام های سیاسی مختلف دارای علل خاصی هستند و پیامدهای منحصره فردی هم خواهند داشت. با وجود این، غیرارادی بودن انقلاب، نگاه منفی به آن و عدم جامعیت از نقدهایی است که درباره نظریه انقلاب افلاطون مطرح است؛ ولی با این حال، با در نظر گرفتن جایگاه افلاطون در فلسفه سیاسی، باید اذعان کنیم که نظریه وی چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

می توان گفت: فلسفه ای همچون افلاطون بیشتر با نگاهی انتزاعی و فلسفی سراغ مدینه فاضله رفته، و به دنبال رفع دغدغه های فکری خویش بودند مثلاً افلاطون دنبال رفع نابسامانی های جامعه زمان خویش است.

مطالعه اجمالی سیر تفکرات افلاطون نسبت به جامعه بشری و ترسیمی که وی از نیک شهر آرمانی خود ارایه می کند، نقایص و کاستی هایی در آن دیده می شود. وجود نواقص موحود در این نظریه، سبب شده است بلافاصله پس از افلاطون، ارسطو کاستی و نواقص نیک شهر افلاطون را در آثار خویش به نقد بکشد.

اتوپییای تامس مور تمامی ابعاد زندگی انسان را در نظر نگرفته است و الگویی مطلوب برای جوامع بشری در جهت سامان دهی حیث های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی نیست. پس می توان آن را به منزله تخیلی پر از اشکال در نظر گرفت که به تنهایی نمی تواند الگویی برای ترسیم جامعه ای ایدهآل و آرمانی به شمار آید. توماس مور جامعه ی آرمانی خود را در کتاب یوتوپیا ارائه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کرده است؛ این کتاب شامل دو بخش است:
بخش یکم تحلیلی خرده بینانه و داد خواستی است پر شور بر ضد وضع اجتماعی و اقتصادی حاکم بر اروپا و به ویژه انگلستان.
بخش دوم آن کتاب روایتگر جامعه ی آرمانی یا بهترین وضع اجتماعی مورد نظر اوست.

منابع:

- افلاطون (۱۳۶۸)، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، ج ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
- شی یرمر، جرمی (۱۳۸۶)، اندیشه‌سیاسی کارل پوپر، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: ماهی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱)، تاریخ در ترازوی نقد، تهران: امیرکبیر.
- امرسون، راجر ال (۱۳۸۷)، فرهنگ اندیشه های سیاسی (اتوپیا)، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نی.
- برلین، آیزایا (۱۳۸۷)، سرنوشت تلخ بشر (جستارهایی در تاریخ اندیشه ها)، ترجمه لیلا سازگار، تهران: ققنوس.
- روویون، فردریک (۱۳۸۵)، آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران: نی.
- مور، تامس (۱۳۶۱) آرمان شهر (اتوپیا)، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران: خوارزمی.
- گودن، کریستیا (۱۳۸۳)، آیا باید از اتوپیا اعادةحیثیت کرد؟، ترجمه سوست شریعتی، تهران: قصیده سرا.
- ارسطو، (۱۳۵۸)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، بی جا: آموزش انقلاب اسلامی
- رادمنش، عزت الله (۱۳۶۱)، قرآن، جامعه شناسی اتوپیا، تهران: امیرکبیر
- Beer, Max (۲۰۰۲), A History of British Socialism, London: Routledge.
- Cayley, Arthur (۲۰۰۷), Memoirs of Sir Thomas More , Vol ,I, London: Kessinger Publishing.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Duhamel, P, Albert(۱۹۵۵), Medievalism of More s Utopia , Studies in Philology, Vol , II, no.۲,Apri.

Harrington, Wayne(۲۰۰۳),The Rrform of Utopia(Law, Ethics And Governance), Aldershot Hants:Ashgaate Publishing.